



شعاع اشرف سریان وجود اشرف در هستی

تطور امکان اشرف در اندیشه حکما
تبیین پدیدارشناسانه قاعده امکان اشرف
و جریان احکام آن برگستره‌های هستی

تألیف:

ذبیح‌الله باقری قمی

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر

سرناسه	باقري قمی، ذبیح‌الله، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	شعاع اشرف: سریان وجود اشرف در هستی تطور امکان اشرف در اندیشه حکما... و جریان احکام بر گستره‌های هستی/ تالیف ذبیح‌الله باقری‌قمی.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه هنر، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۵۰ص: وزیری.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۱۳-۷۳-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۳۳-۱۳۶.
عنوان دیگر	سریان وجود اشرف در هستی تطور امکان اشرف در اندیشه حکما ... و جریان احکام بر گستره‌های هستی.
موضوع	قاعده امکان اشرف Emcan-e Ashraf formula (Islamic law)*
شناسه افزوده	دانشگاه هنر
رده‌بندی کنگره	BBR۵۵
رده‌بندی دیویی	۱/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۷۳۵۵۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا

نام کتاب	شعاع اشرف؛ سریان وجود اشرف در هستی
تألیف	ذبیح‌الله باقری قمی
یونیفرم جلد و صفحات	علی عبدی
صفحه‌آرایی	رامین حکیمی آرا
چاپ اول	۱۴۰۲
بها	۱۰۵۰۰۰۰ ریال
شمارگان	۱۰۰ نسخه
قطع	وزیری
شابک	ISBN: 978-600-6513-73-7 ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۱۳-۷۳-۷



ناشر

تهران، خیابان حافظ، خیابان شهید سرهنگ سخایی،
بعد از تقاطع ۳۰ تیر، شماره ۵۶
تلفن: ۵۶۸۲ ۷۲ ۶۶ (۰۲۱)

*** کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

*** مسئولیت مطالب به عهده نویسنده است و لزوماً دیدگاه‌های دانشگاه هنر را منعکس نمی‌کند.

پیش‌گفتار

مهم‌ترین وظیفه فلسفه رشد و تعالی انسان از راه ارائه شناخت کامل و جامع و صحیح نسبت به هستی به صورت مطلق نسبت به تمام عوالم وجود، به ویژه مراتب نفس و مقامات آن است، تا انسان با بهره‌مند شدن از این تبیین و روشنگری به مرحله اجراء مسائل فلسفی در حیات خود دست یابد.

این مهم میسر نمی‌شود مگر از مسیر ارائه صحیح برای رسیدن و دست‌یافتن به صحنه زندگی، و آن نیز به واسطه‌ای برای تسهیل نیاز دارد و آن واسطه ارائه‌کننده، «هنر» است. هنری که از آبشخور الهی سیراب گشته باشد، خالقی که تمام شئونات ما را می‌داند و به توانایی‌ها و ناتوانی‌ها ما احاطه کامل دارد. در پرتوی چنین هنری می‌توان به داده‌های الهیات دست یافته، به مدد فهم و بستر الهی برای طی طریق در قوس صعود راهی متناسب پیش پای انسان‌ها ترسیم و تسهیل کند. بنابراین مسیر دستیابی به سعادت و کمال عبارت است از طی این مراحل: «فلسفه، هنر، تربیت»، که هر یک از این علوم عهده‌دار تأمین مرحله‌ای در حیات انسانی است، آن گونه که باید باشد و به هدف خویش دست یابد.

این نوشته در مرتبه نخست، کار خود را از یکی از قواعد فلسفی شروع کرده و به اثبات و پیگیری فلسفی یکی از قواعد مهم فلسفه (امکان اشرف) می‌پردازد، و نیز در مرحله دوم عرصه پژوهش‌های هنری و تربیتی را برای این مسیر پیش‌بینی می‌کند، که البته مجال بررسی ویژه خود را خواهد داشت، البته در این پژوهش مبانی و زمینه‌های این تلاش هنری و تربیتی آماده‌سازی می‌گردد. «قاعده امکان اشرف» (که فلاسفه در انتخاب نام برای آن با توجه به واقع‌نمایی آن، از نام‌گذاری ویژه و زیبایی به لحاظ شنیداری و دیداری و کتابتی (تایپوگرافی) بهره جسته‌اند)، یکی از قواعد هستی‌شناسانه برجسته در فلسفه محسوب می‌شود، که در تفسیر و تبیین هستی و مراتب عوالم و نفس و زمینه‌سازی برای درک آن‌ها نقش به سزایی را ایفا می‌کند. بهره‌برداری‌های مختلف از این شناخت‌ها و فواید آن در این نوشته طی ابواب و فصولی پیگیری شده و نتیجه‌گیری لازم درباره آن صورت گرفته است، تا نقش و جایگاه آن در جهان پیرامون،

برای ما روشن گردیده، میزان بهره‌برداری ما از آن افزایش یابد تا آنجا که متوجه شویم تا بحال در جای جای این زندگی از این قاعده مهم بهره‌ها برده و به یمن عقل خویش که دلیل الهی در حیات این جهان است، بر اساس آن زندگی کرده‌ایم.

رهنمودهای کاربردی این قاعده توسط متفکران گرانقدر بسیار مغتنم بوده، چرا که در طریق تکامل و نردبان ترقی، راهنمایان، مصباح طریق و رفیقی شفیق‌اند.

از همراهی خانواده بزرگوارم نیز تشکر نموده، از درگاه حضرت حق جل جلاله مستدعی عفو بوده و شکرگزاری برای نعماتش را عاجزانه خواستارم.

از خانواده علمی، فرهنگی و هنری دانشگاه هنر، به ویژه معاون محترم پژوهشی آن مجموعه، عالم فرزانه، حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر داود رنجبران که همکاری مشفقانه ایشان همواره دلیل راه برای اینجانب بوده کمال تشکر و امتنان را دارم.

مقدمه

آنگاه که دانشمندی در حوزه فلسفه قاعده‌ای را طبق ابعاد گوناگون شناختی (وجود شناسی با تمام ابعاد آن و شناخت‌شناسی) پیگیری کرده و اساسی را بنیان می‌نهد (که البته بایست مانند آینه ای روبروی هستی کاشفانه ایستاده و بنابر استعداد و ظرفیت وجودی خود برای آن رویداد، تحلیلی قاعده مند ابداع کند)، نسبت به آن رویداد دو نکته را می‌بایست مورد ملاحظه قرار داد، «واقع‌گرایی و ناواقع‌گرایی».

یکی از فروض این است که آن قاعده فلسفی مانند وصله‌ایی نامربوط بر دامن هستی دوخته شده باشد و صرفاً یک توهم ناواقع‌گرا بوده که قبل از هر گونه واقع‌نگری در هاله‌ای مبهم با پی‌ریزی متوهمانه‌ای بسته بندی شده و سپس به دنبال جایگاهی (التقاطی) در منظومه متفلسفانه خود برای آن می‌گردند، که البته این چنین ابداعی برای مخاطبان داده‌های فیلسوفان ثمری جز بی راهه رفتن و ضلالت و حیرانی به همراه نخواهد داشت، و برای تاریخ نیز خط گمراهی را ترسیم خواهد کرد.

در فرض دوم اما بر خلاف امر نخست نقاط اتصال قاعده بنیان شده در عرصه هستی مشخص بوده و ارتباط آن در متن هستی و واقعیت به وضوح مشهود و حدود و ثغور آن نیز آشکار می‌باشد. و اگر برای این قاعده ارتباطات بسیاری بوده باشد، آن اصل به شجره‌ای طیبه تبدیل خواهد شد که دائماً ثمرات گسترده‌ای را در پی خواهد داشت، بویژه اگر پیوندهای به موقع و به‌جا و شایسته نسبت به آن اتفاق بیافتد، آنگاه است که سر از بلندی سعادت و کمال مخلوقات، بویژه انسان‌هایی که برطبق آن قاعده، باور و ایمان خود را بنا نهاده باشند، برخواهد آورد.

بنابراین می‌توان داستان کشف قواعد فلسفی را از این دو منظر (واقع‌گرا و ناواقع‌گرا) مورد ملاحظه قرار داده و بر این مقیاس آن‌ها را داوری کرد، که در حقیقت نوعی نگرش کاربردی و مفید فایده برای انسان در پی خواهد داشت. برای واقعیت داشتن و موثر بودن تحلیل‌های فلسفی به جهت قرار گرفتن در مسیر زندگی انسان و ابزاری در دستان او بودن،

باید اهمیت خاصی قایل شد. شایسته است که اندیشه‌های راهزنی چون: «از حوصله ما (مردم) بیرون بودن» نباید به مخاطبان دست داده و آن‌ها را از اندیشه‌ورزی دور کند.

نیز دور از ذهن و ناصحیح نیست اگر بگوییم: «بنیادهای فلسفی، زیر بناهای اندیشه تربیتی برای خانواده است و هر چه بیشتر خانواده در تنگنای بزه و انحراف و اضمحلال واقع می‌شود منجی‌گری فلاسفه با ارائه اندیشه‌های خلاقانه‌ای که دستمایه علوم تربیتی در عرصه‌های گوناگون زندگی می‌باشند، بروز و ظهور بیشتری به دنبال خواهد داشت» و اگر این تلاش از جانب اندیشمندان علم فلسفه صورت پذیرد هویت اصیل فلاسفه را در عرصه اجتماع و زندگی و سبک صحیح آن آشکار می‌کند.

فهرست مطالب

بخش اول: (تاریخچه، نیازسنجی، تبیین مسئله)

فصل اول: تطور تاریخی

--- تاریخچه	۳
--- سینوی (ابو علی ابن سینا)	۳
--- حکمت متعالیه (صدرالمتألهین)	۳
--- یمانی (میرداماد)	۴
--- نقد علامه سبزواری به میرداماد	۶
--- حکیم ملاهادی سبزواری	۶
--- داود قیصری شارح فصوص الحکم	۶

فصل دوم: نیازسنجی نسبت به قاعده امکان اشرف

--- کاربردهای قاعده امکان اشرف	۹
--- دیدگاه ارسطو و افلوطین (شیخ یونانی)	۹
--- دیدگاه شیخ الرئیس	۹
--- دیدگاه شیخ اشراق	۱۰
--- تحلیلی از اندیشه ورزی شیخ اشراق	۱۱

فصل سوم: تنقیح و تبیین مسئله

--- طرح موضوع	۱۷
--- تبیین مفاد قاعده امکان اشرف	۱۷
--- تحلیل نهایی در تنقیح و تبیین مسئله	۲۴
--- کوتاه در تعریف قاعده امکان اشرف	۲۵

بخش دوم: (تقریر، گستره و دامنه‌های قاعده امکان اشرف)

فصل اول: تبیین قدما

--- تقریر قدما از قاعده امکان اشرف و استدلال فلاسفه بر اثبات قاعده	۳۱
--- شیخ الرئیس، ابن سینا	۳۱
--- تحلیل بیانات شیخ الرئیس	۳۱

--- دیدگاه‌های شیخ اشراق و شارحان فلسفه اشراق	۳۲
--- تحلیل نظر شیخ‌الاشراق و شارحان اندیشه ایشان	۳۴
--- محمد شریف نظام الدین احمد بن الهروی (شارح حکمة الاشراق)	۳۶
--- تحلیل	۳۷
--- گزارش حکمة الاشراق	۳۸

فصل دوم: تنقیح متأخرین

--- صدرالمতألهین شیرازی	۴۳
--- نقد صدرالمتألهین	۴۴
--- محصل نقد علامه طباطبائی بر این برهان	۴۶

فصل سوم: تنقیح و تبیین معاصرین

--- استدلال حکیم میرزا مهدی آشتیانی	۵۳
--- پاورقی‌های کتاب اسفار اربعه	۵۵
--- مجرای قاعده از نظر علامه طباطبائی	۵۶
--- تقریر علامه مصباح یزدی	۵۸
--- تحلیل تقریر ملاصدرا با استفاده از بیان استاد علامه مصباح یزدی	۵۹
--- اولین مرحله از تحلیل و استنتاج	۶۰
--- علامه جوادی آملی	۶۳

فصل چهارم: گستره و دامنه قاعده امکان اشرف

--- گستره و دامنه اثباتی قاعده امکان اشرف	۶۷
--- گستره اول: تبیین چینش مراتب کیانی و عوالم کلی وجود	۶۹
--- تبیین خواجه نصیرالدین طوسی	۷۱
--- خلاصه بیان شیخ الاشراق	۷۳
--- تبیین علامه مصباح	۷۷
--- تقریر استدلال شیخ اشراق توسط علامه مصباح یزدی	۸۰
--- تحلیل حکیم سبزواری در تفاوت نفس و عقل	۸۲
--- تلخیص دیدگاه عرفا	۸۹
--- دو مینا در اثبات مثل	۹۲
--- ایراد حکیم سبزواری بر ملاصدرا	۹۳
--- تبیین استدلال	۹۵
--- گستره چهارم: مراتب حقیقت انسان در کلام حکما	۹۷
--- گستره پنجم: در حقیقت محمدیه و خاتم الاوصیاء	۹۹

بخش سوم: دو قاعده مهم دیگر و یک فرع

فصل اول: قاعده امکان اخس

--- قاعده امکان اخس	۱۰۵
--- اثولوجیا و نظر افلوطین	۱۰۵
--- ترجمه کلام صدرالمتألهین شیرازی	۱۰۸

--- تعلیقه حکیم سبزواری به بخشی از سخنان ملاصدرا در اسفار	۱۰۹
--- بیان ملا محسن فیض کاشانی	۱۱۲
--- بیان حکیم میرزا مهدی آشتیانی	۱۱۴
فصل دوم: قاعده امکان اتقن و احسن	
--- قاعده امکان اتقن و احسن	۱۱۹
--- تنقیح مفاد قاعده امکان اتقن و احسن	۱۱۹
فصل سوم: تجلی اشرف بر پیکره دانش و هنر	
--- سریان امکان اشرف در حوزه علوم و دانش و هنرهای انسان	۱۲۳
--- تبلوری از امکان اشرف در هنر	۱۲۴
--- تجلی هنرمند در آثار هنری خود	۱۲۵
--- عالم غیب و شهود و عبور آن با مدد برهان امکان اشرف	۱۲۶
--- استنتاج	۱۲۱
--- فهرست منابع	۱۳۳